



## شکایت آل سعود از ایران در شورای امنیت؛ موانع پیش رو و اهداف

به حاشیه راندن اعتراضات و اجماع سازی ایران علیه آل سعود در لزوم چاره اندیشی برای مدیریت حرمین شریفین و تشدید ایران هراسی، از جمله اهداف سیاسی آل سعود برای مطرح کردن شکایت می باشد.

به گزارش آران نیوز: عربستان سعودی طی یک شکوائیه رسمی، ایران را به نقض قطعنامه 2216 سازمان ملل و حمایت از انصار الله در حمله به بخش های جنوبی عربستان متهم کرده است.

آل سعود در شکایت خود مدعی شده که انصار الله و متحدانش با حمله موشکی به مناطق جنوبی عربستان صدها غیرنظامی را کشته و به زیرساخت ها و زیربنای غیرنظامی از جمله مدارس و بیمارستان ها در مناطق نجران و جیزان و عسیر در جنوب عربستان آسیب رسانده اند.

گزارش عربستان از «نقض قطعنامه شورای امنیت از سوی ایران» 24 شهریور 95 به وسیله «یحیی المعلمی» نماینده دائم آل سعود در سازمان ملل تقدیم شورای امنیت شده است.

شکایت مذکور چند روز پس از اظهارات جان کری وزیر امور خارجه آمریکا تنظیم شده و تحویل شورای امنیت گردیده است. جان کری در سفری که در 4 شهریور به عربستان سعودی داشت، با مشروع دانستن تجاوز آل سعود به یمن گفت «ما متوجه هستیم که عربستان سعودی به تهدیدهای واقعی پاسخ می دهد که در مرزهایش وجود دارند.»

جان کری همچنین بابت حمله ذیل چراغ سبز و نقشه راه برای شکایت از ایران را پیش روی آل سعود قرارداد؛ «ارسال سلاح از ایران برای شورشیان شبه نظامی شیعی مذهب حوثی یمن باید قطع شود. چراکه همین موشک ها هستند که شهروندان عربستانی را قربانی می کنند.» (1)

عربستان چند روز پس از این اظهارات، به طرح شکایت از ایران در شورای امنیت مبادرت ورزید. این موضوع، همسویی، همدستی و حرکت محور اشغال و ارتجاع در مسیری واحد علیه محور مقاومت را به اثبات می رساند. اما فارغ از این موضوع، طرح شکایت آل سعود در مسیر اثبات و محکومیت ایران در شورای امنیت با دشواری های فراوانی مواجه است.

تأیید و تصویب کمیته نظارت بر اجرای قطعنامه 2216 و نیز تأیید و تصویب 5 عضو دائم شورای امنیت، از جمله موانع پیش روی این شکوائیه برای محکوم کردن ایران در شورای امنیت هستند. از سویی در صورت اثبات چنین اتهامی، بیانه ای که علیه ایران صادر می شود به لحاظ حقوقی الزام آور نخواهد بود. لذا به نظر می رسد عربستان با طرح این شکوائیه اهداف دیگری را دنبال می کند.

در این یادداشت ضمن اشاره به محدودیت ها و محذوریت های آل سعود برای محکوم کردن ایران در شورای امنیت، اهداف سیاسی آل سعود از ارائه شکوائیه مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

1- قطعنامه 2216 و بندی که مستمسک آل سعود برای شکایت بوده است

انصار الله و کمیته های انقلابی در ماه های آخر سال 93 به سمت صنعا پایتخت یمن پیشروی کردند. این پیشروی به منظور تحقق بخشیدن به مطالبات انقلابی مصادره شده از سوی شورای همکاری خلیج فارس و نیز به منظور بازگرداندن انقلاب به مسیر اصلی خود صورت پذیرفت. عبد ربه منصور هادی رئیس جمهور مستعفی یمن در واکنش به این پیشروی به همراه خالد بحاح نخست وزیر از سمت خود استعفا داده و در اقدامی نمایشی و به منظور افزایش فشار بر انقلابیون به عدن و از آنجا به عربستان سعودی فرار کردند.

بعد از این حوادث، عربستان در 6 فروردین 94 تهاجم و تجاوز نامشروعی را علیه یمن آغاز کرد. متعاقب این تحولات شورای امنیت ضمن چشم بستن بر تجاوز آل سعود، قطعنامه 2216 را علیه انقلاب یمن تصویب کرد. قطعنامه مذکور در 25 فروردین 95 و در اثنای بررسی اوضاع یمن با 14 رأی مثبت اعضا دائم و غیر دائم و یک رأی ممتنع روسیه تصویب شد. پیش نویس قطعنامه 2216 پیش تر از سوی اردن و به نمایندگی از اعضای شورای همکاری خلیج فارس ارائه شده بود که شورای امنیت ضمن پذیرش بی چون و چرای مفاد پیش نویس، آن را به قطعنامه تبدیل کرد.

در این ماجرا آمریکا و عربستان از رهگذر تطمیع و تهدید، دیگران را مجاب کردند تا قطعنامه 2216 را نیز مانند سایر قطعنامه های مربوط به انقلاب یمن، ذیل فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد تصویب نمایند. مهم ترین بندهای این قطعنامه موارد ذیل را شامل می شود:

1- خارج شدن انصار الله و کمیته های مردمی از پایتخت و نهادهای دولتی

2- تحویل دادن سلاح های سنگین و عقب نشینی انصار الله از شهرها

3- زمینه سازی برای تشکیل دولت انتقالی

4- اعمال تحریم و مسدود کردن دارایی های رهبران انقلاب و هم پیمانان شان

5- پایان دادن به تحریکات انصار الله در مرزها و تهدیدات کشورهای همسایه

6- تحریم تسلیحاتی انصار الله و عدم تجهیز و تسلیح نیروهای انقلابی از سوی سایر دولت ها (2)

طرح شکایت عربستان از ایران در شورای امنیت با تمسک به بند ششم بوده است. بند یادشده، انصار الله و کمیته‌های انقلابی را تحریم تسلیحاتی کرده و تجهیز و ارسال سلاح به این نیروها را ممنوع دانسته است. از طرفی همان‌طور که اشاره شد، قطعنامه 2216 ذیل فصل هفتم تصویب شده و بر اقدامات قهری شورای امنیت دلالت دارد. طبق مواد 48 و 49 منشور همه اعضای سازمان ملل باید مفاد قطعنامه‌های تصویبی ذیل فصل هفت را پذیرفته و از آن تبعیت کنند. در غیر این صورت با برخوردهای تنبیهی و قهرآمیز شورای امنیت مواجه خواهند شد. لذا عربستان با دستمایه قرار دادن این بند قطعنامه و متهم کردن ایران به نقض مواد 48 و 49، طرح شکایت از ایران را مطرح کرده است.

2- محدودیت‌ها و محذوریت‌های آل سعود برای محکوم کردن ایران در شورای امنیت

منشور سازمان ملل متحد، مقامات و مراجعی که می‌توانند برای ارجاع اختلافات بین‌المللی به شورای امنیت مراجعه کنند را مشخص کرده است. بند 1 ماده 35 سازمان ملل اشاره می‌کند که هر عضو ملل متحد می‌تواند توجه شورای امنیت یا مجمع عمومی را به هر اختلاف یا وضعیتی جلب کند (3) منوط به اینکه آن اختلاف یا وضعیت، تهدیدکننده صلح و امنیت بین‌المللی باشد.

بند 2 ماده 35 این حق را برای کشورهای غیر عضو نیز قائل می‌شود که بتوانند اختلاف و شرایط تهدیدکننده صلح را به شورای امنیت گزارش داده و علیه نقض‌کننده صلح شکوائیه‌ای تنظیم کنند. لذا در مرحله اول این شکایت امری عادی به نظر می‌رسد که موارد مشابه آن از سوی کشورهای مختلف به کرات به ثبت رسیده است.

مصادیق متأخر این شکایت‌ها را می‌توان در موارد ذیل مشاهده کرد؛ شکایت بغداد از آنکارا برای ورود نیروهای نظامی ترکیه به شمال عراق، شکایت ایران از عربستان به دلیل ممانعت نیروهای آل سعود از کمک‌رسانی ایران به یمن و یا شکایت فلسطینیان از رژیم نامشروع صهیونیستی به سبب گسترش شهرک‌سازی در سرزمین‌های اشغالی.

اما آنچه در این میان مهم به نظر می‌رسد، توانایی مسکوت نگذاشتن این شکایت‌ها و گنجاندن آن‌ها ذیل فصل ششم و هفتم منشور سازمان ملل متحد می‌باشد. در این مرحله است که شورای امنیت در مقام رسیدگی به شکایت به موضوع ورود کرده و آن را ذیل فصل ششم (حل اختلاف از مسیر مسالمت‌آمیز مانند مذاکره، سازش و میانجیگری) و یا هفتم (اتخاذ تصمیمات الزام‌آور مانند صدور قطعنامه) دسته‌بندی نموده و سپس بررسی می‌کند. اگر مسیر گفته‌شده طی نشود، از لحاظ حقوقی شکایت «کان لم یکن» تلقی شده و به آرشو شورای امنیت منتقل خواهد شد.

با این حال اثرات و پیامدهای سیاسی این شکایت می‌تواند بر تصمیم‌گیری آینده شورای امنیت اثرگذار باشد. آل سعود برای دستیابی به مطلوب خود از مسیر حقوقی و قرار دادن شکایت در ذیل فصل ششم و هفتم با دشواری‌های فراوانی مواجه است که این دشواری‌ها در دو سطح ساختاری (سازوکار اداری در دستور کار قرار گرفتن شکایت) و سیاسی قابل تقسیم‌بندی می‌باشند.

1-2- موانع ساختاری آل سعود در مسیر پیگیری شکایت

شورای امنیت برای قطعنامه‌هایی که ذیل فصل هفتم صادر می‌شوند، معمولاً یک «کمیته اجرایی» پیش‌بینی کرده است. این کمیته با مشارکت نمایندگان همه اعضای شورای امنیت تشکیل شده و بر حُسن اجرای قطعنامه نظارت می‌کند. هموارسازی راه برای اجرایی شدن قطعنامه‌ها، ارائه گزارش‌های متناوب 60 روزه از روند اجرایی شدن قطعنامه‌ها و معرفی مصادیق و ناقضین مفاد قطعنامه‌ها به شورای امنیت، از جمله وظایف کمیته اجرایی می‌باشد (4).

شورای امنیت در تاریخ 7 اسفند 92 به اتفاق اعضا، قطعنامه 2140 را در مورد یمن به تصویب رساند. قطعنامه مزبور که در آستانه انقلاب دوم مردم یمن و با مداخله‌گری آمریکا و عربستان تصویب شد، دارای 33 بند می‌باشد که در بند 19 ضرورت تشکیل کمیته نظارت بر حُسن اجرای قطعنامه پیش‌بینی شده است. بند 19 وظایفی برای کمیته در نظر گرفته که مهم‌ترین آن‌ها به شرح ذیل می‌باشند:

- برنامه‌ریزی برای برقراری گفتگو میان طرف‌های درگیر و تلاش برای رفع سوءتفاهمات کشورهای ذینفع

- ارائه گزارش کامل از کنفرانس گفتگوهای ملی یمن

- ارائه گزارش 60 روزه از خشونت‌ورزی اعضای درگیر و نقض‌های مفاد قطعنامه و مسائل حقوق بشری

- و... (5)

با توجه به این چارچوب آل سعود برای محکوم کردن ایران به نقض مفاد قطعنامه 2140 و 2216 نیاز به مجاب کردن کمیته اجرایی دارد. دستیابی به این مطلوب و اثبات این ادعا از رهگذر ارائه مستندات حاصل خواهد شد. عربستان باید دلایل متقن و مستندات اثبات‌پذیر خود را تقدیم کمیته اجرایی نماید. کمیته اجرایی نیز موضوع را بررسی کرده و در صورت صحت ادعاها، کمک ایران به انصار الله و نقض قطعنامه را طی گزارشی به شورای امنیت تقدیم خواهد کرد. اما آنچه در ابتدای امر، طرح عربستان برای پیگیری شکایت را عقیم می‌گذارد، نبود شواهد و مدارک متقن برای اثبات چنین ادعایی است. عربستان جز ادعای رسانه‌ای و دامن زدن به جنگ نامتعادل (6) سندی قابل‌اتکا برای اثبات ادعای خود ندارد. این موضوع را نمایندگی دائم جمهوری اسلامی ایران نزد سازمان ملل متحد نیز تأکید کرده است: «در نامه عربستان سعودی، به ادعاهای بی‌اساسی اشاره شده که تاکنون هیچ مرجع بی‌طرفی نتوانسته این ادعاها را اثبات کند؛ این در حالی است که عربستان سعودی بیش از یک سال و نیم است که در یک جنگ گسترده، نابرابر و بی‌منطق علیه مردم یمن درگیر بوده و جنایات غیرقابل‌انکاری علیه غیرنظامیان، کودکان و زنان بی‌داع مرتکب می‌شود و ضمن انهدام زیرساخت‌های این کشور، هیچ ابایی از حمله به بیمارستان‌ها

و مدارس نداشته و ندارد.»(7)

2-2- موانع سیاسی محتمل در مسیر پیگیری شکایت

توزیع پول، چه سکه‌های طلای محدود مؤسس سلسله و چه میلیاردها دلار درآمد نفت، همواره بخشی از راهبرد آل سعود برای بقا و مشروعیت‌یابی داخلی و خارجی بوده است. خرید وفاداری و فرمان‌برداری قبائل در داخل و یارگیری در معادلات و مناسبات خارج، همواره از طریق توزیع پول صورت پذیرفته است. (8) نقش پول و به صورت مشخص استفاده از دلار در چارچوب «دیپلماسی دلار» برای تغییر رفتار بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی، کاربرد فراوانی در سیاست‌ورزی سعودی‌ها داشته است. (9) آخرین مصداق به‌کارگیری دیپلماسی دلار در گزارش سالانه ناقضان حقوق کودکان صورت پذیرفت. در این گزارش به عربستان به عنوان مسئول 60 درصد تلفات کودکان در جنگ یمن اشاره شده بود که تنها چند روز پس از انتشار گزارش مذکور، دبیر کل سازمان ملل در اقدامی بی‌سابقه نام عربستان را از فهرست خارج کرده و اعلام نمود که قرار است تحقیقات مشترکی با مشارکت ریاض در مورد جنگ یمن انجام شود.

با پیشفرض اینکه آل سعود بتواند از طریق راهبرد دیپلماسی دلار، کمیته نظارت بر اجرای قطعنامه را تطمیع کرده و آن را مجاب کند تا ضد ایران گزارشی را به شورای امنیت تقدیم نماید، آنچه پس از تحقق این امر پیش خواهد آمد مطرح‌شدن گزارش کمیته اجرایی در شورای امنیت است. از نظر شورای امنیت اگر موضوع اهمیت چندانی نداشته باشد، قابل طرح در جلسه شورا نخواهد بود، اما اگر گزارش کمیته حاوی نقض گسترده قطعنامه 2140 و 2216 باشد، موضوع قابلیت می‌یابد که در جلسه شورای امنیت مطرح شود. به هر دلیلی، اگر عربستان بتواند پس از گزارش کمیته اجرایی، با استفاده از همراهی و نفوذ آمریکا، تجهیز انصار الله از سوی ایران در شورای امنیت را به موضوعی قابل‌رسیدگی ارتقا دهد، ملاحظات و معادلات سیاسی حاکم بر روابط و رقابت‌های اعضا دائم، از پیش بردن این شکایت از سوی عربستان و آمریکا ممانعت به عمل خواهد آورد. به عبارتی روسیه و چین به عنوان‌های قدرت‌های شرق حاضر نیستند زیاده‌خواهی و قدرت‌طلبی آمریکا و متحدان منطقه‌ایش را بپذیرند، لذا در این راهبرد تلاش می‌کنند در کنار قدرت‌های مخالف سلطه آمریکا قرار گرفته و زیاده‌خواهی آمریکا و متحدینش را محدود کنند. وتوی قطعنامه‌های ضد سوری شورای امنیت از سوی روسیه و چین نیز در این راهبرد و چارچوب، قابل‌تحلیل می‌باشند. بنابراین احتمالاً تلاش آمریکا و عربستان در شورای امنیت با سد وتوی روسیه و چین مواجه خواهد شد. نهایت تلاش آمریکا و عربستان در این معادله می‌تواند به صدور بیانیه‌ای غیرالزام‌آور منتهی شود. این نوع بیانیه مختص هیئت‌رئیس شورای امنیت است که با اکثریت 9 عضو تصویب شده و رای مثبت و یا منفی عضو دائم جایگاهی در تصویب یا عدم تصویب بیانیه ندارد. تفاوت ماهوی بیانیه با قطعنامه، الزام‌آور بودن قطعنامه می‌باشد. به این معنا که بعد از تصویب قطعنامه، تخطی و نقض مفاد قطعنامه برخورد قهر آمیز شورای امنیت ذیل فصل هفتم (تحریم اقتصادی، تحریم و محدودسازی روابط سیاسی و...) را در پی خواهد داشت. اما بیانیه، چنین پیامدی نداشته و صرفاً به تذکر و اخطار اکتفا می‌کند.

3- بررسی اهداف سیاسی آل سعود از ارائه شکوائیه

با توجه به مسائلی که مورد بررسی قرار گرفت می‌توان چنین استنباط کرد که عربستان در پیگیری شکایت برای تصویب قطعنامه یا بیانیه طرفی نبسته و راه به جایی نخواهد برد. اما به نظر می‌رسد عربستان با طرح این شکوائیه به دنبال تحقق بخشیدن به اهداف و مقاصد سیاسی خود است که در ادامه به بخشی از این اهداف اشاره می‌شود:

1-3- به حاشیه راندن اعتراضات ایران نسبت به بی‌کفایتی آل سعود در مدیریت حج

در حج سال 1394 بیش از 6 هزار مسلمان در لباس احرام به شهادت رسیدند که در میان این تعداد عظیم شهدای مظلوم، 470 زائر ایرانی نیز حضور داشتند. واقعه سقوط جرنقیل و جان باختن بیش از یک‌صد زائر، آتش‌سوزی در چادر زائران برخی کشورها، محبوس شدن حجاج در قطار و حوادث ریز و درشت دیگر همگی حاکی از بی‌تدبیری و بی‌کفایتی مسئولین عربستان سعودی در اداره امور حج است. (10) پیام امام خامنه‌ای (حفظه الله) در سالگرد کشتار منا مبنی بر در محدوده کنترل‌های نامعهود دستگاه‌های جاسوسی آمریکایی و صهیونیستی قرار دادن حجاج و لزوم چاره‌اندیشی برای مدیریت حرمین و شریفین، موجی از انتقاد از آل سعود و همراهی و همسویی با ایران را در پی داشت. به طوری که شخصیت‌های برجسته جهان اسلام از رفتارهای غیراسلامی آل سعود انتقاد کرده و لزوم اندیشیدن برای مدیریت حرمین شریفین را امری حیاتی دانستند. (11) از سویی پیام رهبر معظم انقلاب در رسانه‌های عربی و غربی نیز بازتاب گسترده‌ای داشت به طوری که بررسی قصور و تقصیر آل سعود در مدیریت حج و واکاوی زوایای مختلف پیام امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به تیترو و سر تیترو اصلی رسانه‌ها و میزهای کارشناسانه تبدیل شد. این موضوع آل سعود را در وضعیت بغرنجی قرار داده و این رژیم کوشید توجهات را از بی‌کفایتی و جنایت خود منحرف کرده و به موضوع دیگری جلب کند. بنابراین انحراف افکار عمومی و توجهات از موضوعی به موضوعی دیگر، یکی از دلایل طرح شکایت آل سعود از ایران می‌باشد. اما آنچه به‌واقع گریزی از آن نیست، لزوم پاسخ‌گویی به کشتار منا و مهیا کردن شرایط برای مدیریت مشارکتی حج می‌باشد. امام خامنه‌ای (حفظه الله) نیز در جلسه درس خارج فقه 5 مهر 94 به این موضوع اشاره کرده‌اند: «دنیای اسلام در این خصوص سؤالات زیادی دارد که مقامات سعودی به جای فرافکنی کردن و متهم کردن دیگران در این زمینه، باید به آن‌ها پاسخ دهند.» (12)

2-3- تشدید ایران‌هراسی و متهم کردن ایران به حمایت از تروریسم

ایران‌هراسی همواره بخشی از سیاست‌های غرب بوده که پس از انقلاب اسلامی و به منظور تحقق بخشیدن به اهداف مختلف به کار گرفته شده است. محورهای اصلی ایران‌هراسی به دنبال ارائه چهره‌ای تندرو و خشونت‌طلب از ایران است که سعی دارد

این خشونت را به بخش‌های مختلف منطقه و جهان تسری دهد. گفتمان ایران‌هراسی بر انگاره‌ها و دقایقی چون معرفی ایران به عنوان محور شرارت، بزرگ‌ترین حامی تروریسم در جهان، بزرگ‌ترین تهدیدکننده همسایگان و تهدیدی برای صلح جهانی و... استوار است.

محور استکبار با به‌کارگیری این راهبرد، ضمن همراه‌سازی سایر کشورها به دنبال توجیه‌پذیر کردن جنایت‌های خود علیه ایران است. به زعم آمریکا اعمال تحریم‌های یک‌جانبه در موضوعات مختلف و ترور دانشمندان هسته‌ای و تدارک حملات الکترونیکی و ... در چنین فضا و چارچوبی مشروعیت پیدا می‌کنند. لذا آل سعود نیز تلاش می‌کند در راهبرد تشدید ایران‌هراسی حرکت کرده و ضمن همراه‌سازی سایر کشورهای منطقه و فرامنطقه، شرایط و زمینه را برای اعمال تحریم و محدودسازی ایران مهیا کند. ایجاد فضای منفی در زمینه‌های سیاسی، نظامی، حقوقی و امنیتی هدف دیگر ایران‌هراسی سعودی‌ها است. اما نکته قابل‌توجه در این موضوع، همراهی سایر کشورهای تابع و مطیع عربستان است. به این معنا که ایران‌هراسی و اقدامات ایران‌ستیزانه آل سعود بلافاصله حمایت و موضع‌گیری سایر کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را نیز به دنبال دارد؛ به‌گونه‌ای که شکلی از هماهنگی و انسجام در این مسیر به‌وضوح مشخص است. به‌طور مثال پس از طرح شکایت عربستان «عبدالملک المخلافی» وزیر خارجه دولت مستعفی یمن اعلام کرد؛ دولت قصد دارد از آنچه تسلیح انصارالله به وسیله ایران می‌نامد به شورای امنیت شکایت کند. یا آمریکا که خود پایه‌گذار و طراح اصلی شکایت بود، اعلام کرده است در حال بررسی مسئله اعمال تحریم‌های جدید علیه ایران به دلیل حمایت از انصارالله است. (13) در سخنرانی «محمد بن نایف» ولیعهد آل سعود در نشست سالانه سازمان ملل و مطرح کردن اتهامات بی‌اساس علیه ایران همین همکاری مشهود است؛ به طوری که موضوع جزایر سه‌گانه که ادعایی بی‌اساس و بی‌مبنا و با پشتوانه سیاسی است، بلافاصله بعد از محمد بن نایف در سخنرانی «عبدالله بن زاید» وزیر خارجه امارات نیز بازتاب می‌یابد.

استقلال‌زدایی و اعتبار‌زدایی از حرکت مردمی و انقلابی انصارالله، مشروعیت بخشیدن به حملات و تجاوزات خون‌بار آل سعود به یمن، به حاشیه بردن جنایت‌های خود در یمن و منحرف کردن افکار عمومی از محکومیت‌های متعدد، بخش دیگری از اهداف سیاسی عربستان از مطرح کردن شکایت علیه ایران در شورای امنیت است که تنها به صورت محور به آن‌ها اشاره شد.

#### 4- واکنش‌های متقابل ایران در مقابل شکوائیه آل سعود

همان‌طور که اشاره شد شکایت آل سعود بیشتر به دنبال تحقق بخشیدن به اهداف سیاسی است. لذا ایران در مقام واکنش به این شکایت می‌تواند اقدامات مختلفی انجام دهد. سازمان‌دهی محوری از نهادها و دولت‌های حلق‌بند و مستقل برای شکایت از جنایت آل سعود از جمله این اقدامات است. آل سعود در طی 18 ماه تجاوز به یمن، جنایات سازمان‌یافته فراوانی در حوزه‌های گوناگون مرتکب شده است. کشتار زنان و کودکان بی‌گناه، محاصره اقتصادی و ایجاد اختلال در فرایند آب‌رسانی، سوخت‌رسانی و انتقال مواد غذایی به مناطق مسکونی، بمباران زیرساخت‌های غیرنظامی مانند مدارس و بیمارستان‌ها و مراکز بهداشتی تنها بخشی از جنایت‌هایی است که محرز و غیرقابل‌انکار است. لذا با استفاده از این موضوع می‌توان با سازمان‌دهی کشورهای غیر تابع و مستقل، موضوع جنایت عربستان در یمن را در نهادها و همایش‌های مختلف پیگیری کرد. تحقق این موضوع عربستان را در تنگنای سیاسی قرار خواهد داد.

رژیم آل سعود اصلی‌ترین منشأ تشکیل و تجهیز تروریسم است. فرقه وهابیت که بر نفرت از سایرین قوام‌یافته، مروج خشونت و افراطی‌گری می‌باشد. این موضوع در کنار تجهیز مالی و نظامی تروریست‌ها، عربستان را به منبع صدور تروریسم تکفیری تبدیل کرده است. با برگزاری اجلاس‌ها و همایش‌های مختلف با حضور کشورها و چهره‌های برجسته، معتدل و وحدت‌طلب جهان اسلام، می‌توان آل سعود را از منظر ایدئولوژیک در انزوا قرارداد. اجلاس اخیر گروزی با مشارکت علمای اهل سنت می‌تواند نمونه مناسبی برای این موضوع باشد. از طرفی با تأکید بر مفاهیم و ارجحیت‌های وحدت‌بخش و چرخیدن حول مدار وحدت جهان اسلام و خارج ساختن وهابیت از جرگه مذاهب اهل سنت، می‌توان مقابل ائتلاف‌ها و اتحادهای سازمان‌یافته سعودی‌ها، معادل‌سازی کرد.

#### جمع‌بندی

عربستان سعودی طی یک شکوائیه رسمی، ایران را به نقض قطعنامه 2216 سازمان ملل و حمایت از انصارالله در حمله به بخش‌های جنوبی عربستان متهم کرده است. این شکایت بلافاصله بعد از سفر جان کری وزیر خارجه آمریکا به عربستان و متهم کردن ایران به تجهیز انصارالله، جنبه عملیاتی به خود گرفت. به نتیجه رساندن این شکایت، با موانع ساختاری و سیاسی روبه‌رو است. داشتن شواهد و مدارک برای اقناع کمیته نظارت بر اجرای قطعنامه 2140 و 2216 و فرایند معین‌شده در منشور سازمان ملل متحد برای تصویب بیانیه یا قطعنامه علیه ایران، از جمله موانع ساختاری و مخالفت احتمالی روسیه و چین با تحقق چنین امری از جمله موانع سیاسی می‌باشند. اما آل سعود با طرح این شکایت به دنبال برخی اهداف سیاسی است. به حاشیه راندن اعتراضات و تضعیف اجماع‌سازی ایران علیه آل سعود در لزوم چاره‌اندیشی برای مدیریت حرمین شریفین و تشدید ایران‌هراسی از جمله اهداف سیاسی آل سعود برای مطرح کردن شکایت می‌باشد. برجسته کردن جنایات آل سعود در یمن، ایجاد محوری از دولت‌های مستقل برای شکایت از او، طرح رسانه‌ای و دیپلماتیک این جنایت‌ها و نیز برگزاری همایش‌های مختلف برای انزوای سیاسی و ایدئولوژیک وهابیت، می‌تواند از جمله گزینه‌های ایران برای واکنش متقابل باشد.

#### مشرق